عدم ملازمه‌ی علم ذاتی با «ابی اللّه أن یجری الاموور إلا باسبابها»

در جلسه‌ی قبل به من برگه‌ای دادند. نمی‌دانم نویسنده‌ی آن تشریف دارند یا خیر. سؤالی را مطرح کرده‌اند. «ابی اللّه أن یجری الاموور الا باسبابها»[1]. آن هفته که علم الهی را مطرح کردم، ایشان به این صورت فرموده‌اند: آیا علم الهی از مصادیق امر نیست؟ «ابی اللّه أن یجری الاموور الا باسبابها»، «ها» به «اموور» بر می‌گردد. اسباب الاموور، الاموور. خُب حال علم الهی مصداق امر هست یا نیست؟ اگر هست سبب دارد یا ندارد؟ سؤال ایشان این بود.

ببینید! به تناسب حکم و موضوع، گاهی واژه‌ای که به کار می‌رود، حکم آن را مضیق می‌کند یا موسع می‌کند. اینجا الآن حکم چیست؟ «ابی اللّه أن یجری الاموور»، صحبت سر اجراء است. و لذا «الاموور»ی که قابل جری است، «الا باسبابها». لذا اگر ما نفس الامری می‌گوییم یک حوزه‌ای از «الاموور» هست که آن‌ها اصلاً قابل جری نیست. فضایش فضای ثابتات و فوق جعل و فوق جری است. این دیگر در آنجا نمی‌آید. لذا من در اینجا نوشته‌ام: «خیر، چون جری ندارد». علم الهی جزو «الامر» در اینجا، نیست.

شاگرد: علمی که عین ذات است را می‌فرمایید؟ صفت فعل را که نمی‌فرمایید؟

---

[1]. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج 1، ص۶: «أَبَى اَللّٰهُ أَنْ يُجْرِيَ اَلْأَشْيَاءَ إِلاّٰ بِالْأَسْبَابِ».

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:14:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 15:28:41 توسط ... .